

نقش همجواری در بلوک بندی اقتصادی

کشورهای عضو سازمان اسلامی با تکیه بر بخش کشاورزی

دکتر حسین پیراسته، دکتر سید کمیل طیبی و امیر هرتمنی*

|| : || :

چکیده:

همجواری¹ یکی از عوامل تاثیر گذار بر روابط تجاری و ایجاد همگرایی اقتصادی بین کشورها است. بلوک بندی در همکاری های منطقه ای کشورهای عضو OIC² در زمینه محصولات کشاورزی قابل تجارت، علی-رغم تفاوت عمیق در ساختار اقتصادی این کشورها و ناچیز بودن شدت تشابه تجاری آنها، قابل بررسی است. هدف این مطالعه بررسی اثر بلوک بندی های مختلف از طریق همجواری، بر کاهش ناهمگنی در ساختار اقتصادی کشورهای عضو و افزایش درجه تشابه تجاری آنها است. چنانچه کشورها در قالب زیربلوک های موثر، بویژه همجوار تقسیم بندی شوند، اثر این نوع بلوک بندی، شدت تشابه اقتصادی برای تشکیل یک بلوک متمرکز را افزایش می دهد. بر این اساس، با استفاده از آنالیز آماری اقلام کالاهای صادراتی و وارداتی و شاخص آزادی اقتصادی کشورها، تغییر در ناهمگنی کشورها در زیربلوک های اقتصادی مورد ارزیابی قرار می گیرد. تعمیق یکپارچگی در زیربلوک های موجود و برخورداری از پتانسیل استقرار زیربلوک های پیشرفته تر، در قالب سناریوی پیش روی کشورها، توان مبادله ای درون بلوکی را در اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش می دهد.

طبقه بندی JEL: H50

واژه های کلیدی: همجواری، جریان تجاری، محصولات کشاورزی، تشابه تجاری، شاخص آزادی اقتصادی، همگرایی، بلوک بندی

*

(Pirasteh_h@yahoo.com)

¹ Contiguity

² Organization of Islamic Conference

در چند دهه‌ی اخیر، دور جدیدی از یکپارچگی در اقتصاد جهانی آغاز شده است و روند اقتصاد جهانی به سوی وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به یکدیگر پیش می‌رود. از زمان پیدایش نظریه‌ی اصل تقسیم کار و تخصص بین‌المللی، تجارت وسیله‌ای برای رفع نیازمندی‌های بشر و سپس حصول سایر درآمدها بوده است. با این حال، تجارت امروزی موتور توسعه‌ی اقتصادی بیشتر جوامع پیشرفته و در حال توسعه است و جایگاه ویژه‌ای را در فعالیت‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است. در ادبیات اقتصادی جدید همواره بر تنش مجاورت، تجارت و همکاری‌های اقتصادی در انتقال سرمایه و تکنولوژی و رشد تأکید می‌شود (کبیر حسن، ۲۰۰۲).^۳

در این میان، مبحث همگرایی اقتصادی از جذابیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. همگرایی اقتصادی رابطه‌ی میان رشد و درآمد ابتدایی را مورد بحث قرار می‌دهد. بر اساس فرضیه‌ی همگرایی، هر چه سطح اولیه‌ی تولید ناخالص داخلی سرانه‌ی واقعی پایین‌تر باشد، نرخ رشد پیش‌بینی شده آن بالاتر است (فرهمنند، ۱۳۸۰). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تجارت به‌عنوان عامل ایجاد همگرایی اقتصادی، به بهتر شدن وضعیت اقتصادی کمک می‌کند. از سوی دیگر، همگرایی اقتصادی نیز دارای اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی است که به هم‌افزایی اثرات بهبود اقتصادی مابین شرکاء اقتصادی منتهی می‌شود.

از آن‌جا که همکاری‌های منطقه‌ای دارای ابعاد کوچک‌تری نسبت به اقتصاد جهانی است، به نظر می‌رسد که شرکت‌کنندگان در آن با مشکلات اقتصادی و تجاری کمتری مواجه باشند. اینک کشورهای در حال توسعه نیز به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده، مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل کنند و نهایتاً مزیت‌های نسبی و رقابتی خود را افزایش دهند. بنابراین، کشورها به دنبال استفاده از موافقتنامه‌های ترجیحی و اتحادیه‌های اقتصادی هستند تا بتوانند از منافع ناشی از یکپارچگی تجاری، صرفه‌های ناشی از مقیاس و انتقال تکنولوژی بهره‌جویند (طیبی و معلمی، ۲۰۰۳).^۴

^۳ Kabir Hassan

^۴ Tayyebi and Moallemi

در این میان، همجواری یکی از عوامل تاثیر گذار بر فرهنگ، اقتصاد، روابط تجاری، روابط سیاسی و همگرایی بین کشورها است. همجواری بین کشورها هزینه‌های معاملاتی و حمل و نقل را کاهش می‌دهد؛ زیرا هزینه‌های معاملاتی و حمل و نقل تابعی از مسافت است. علاوه بر روابط تجاری، فرهنگ کشورهای همجوار نیز به دلایل سابقه‌ی تاریخی، تقسیمات سیاسی- جغرافیای کشورها، هم‌نژادی و هم‌زبانی به سمت تعامل با یکدیگر پیش می‌رود که همخوانی بیشتر را در این زمینه به دنبال دارد.

بلوک بندی اقتصادی موجب طبقه بندی شرکای تجاری و تقسیم عادلانه‌ی منافع تجاری در بین کشورهای عضو می‌شود. در مقابل، عدم وجود توافقنامه‌های منطقه‌ای موجب تقسیم ناعادلانه‌ی منافع ناشی از تجارت در بین شرکاء و تضعیف برخی از کشورها در تجارت می‌شود یا زیر ساخت‌های اقتصادی آن کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، ضعف در همکاری‌های تجاری منطقه‌ای، موجب کم‌رنگ شدن سیاست رشد اقتصادی و محدود شدن تجارت در کشورهای در حال توسعه می‌شود (هلر، ۱۳۷۰). حال آنکه اگر شرکای تجاری دارای همگرایی، همکاری‌های منطقه‌ای و ساخت مشابه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشند، آنگاه منابع حاصل از تجارت به نحو مطلوبی بین کشورهای شریک تقسیم می‌شود.

عمده‌ترین محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه، کالاهای کشاورزی است و به استثنای چند کشور که صادر کننده‌ی مواد خام هستند، درآمدهای صادراتی سایر کشورها از طریق فروش کالاهای کشاورزی به دست می‌آید. مقوله‌ی کالاهای کشاورزی یکی از مباحث اصلی بین کشورهای پیشرفته‌ی دنیا و کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی است. کشورهای اروپایی انواع موانع را در برابر واردات این کالاها به کشورهای خود وضع می‌کنند. قیمت کالاهای کشاورزی نسبت به محصولات صنعتی بسیار پایین است. دلیل عمده‌ی این امر وجود عدم هماهنگی و یکپارچگی در میان کشورهای صادر کننده‌ی این کالاها است که به ضعف درآمدهای صادراتی آنها منتهی می‌شود. بنابراین، تشکیل بلوک‌های اقتصادی در زمینه‌ی کالاهای کشاورزی موجب افزایش قدرت چانه زنی کشورهای صادر کننده‌ی این محصولات، که اکثراً کشورهای در حال توسعه هستند، خواهد شد (متوسلی، ۱۳۷۸).

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یکی از بلوک‌های سیاسی جهان، مرجع سیاست‌گذاری کلی در بین کشورهای اسلامی است. در چند دهه‌ی گذشته این سازمان نقش فعالی را در بین کشورهای اسلامی بر عهده گرفته و سعی در ایجاد یک بلوک اقتصادی در بین این کشورها داشته است (سینداروک،^۵ ۱۹۹۲). بیشتر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مرحله‌ی توسعه‌ی اقتصادی قرار دارند و بخش کشاورزی از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها، البته به استثنای کشورهای نفت خیز است. ایجاد یک بلوک بندی اقتصادی با تکیه بر بخش کشاورزی و همجواری، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که بدین وسیله مشکل اصلی عدم همگنی کشورهای عضو نیز کمتر می‌شود و گام مهمی در راستای تحقق عملی بازار مشترک اسلامی خواهد بود (علی،^۶ ۱۹۹۳).

هدف مقاله‌ی حاضر مطالعه‌ی راهکارهای کاهش ناهمگنی اقتصادی در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از طریق گروه‌بندی جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اصل اولیه در این بلوک‌بندی همجواری کشورهاست و طی تقسیم‌بندی، کاهش درجه‌ی ناهمگنی در بین کشورهای اسلامی در زمینه‌ی تشابه تجاری، ساختار اقتصادی و شاخص‌های آزادی اقتصادی ارزیابی می‌شود.

این مقاله ابتدا به شرح تاریخچه‌ای از سازمان کنفرانس اسلامی می‌پردازد و سپس اهمیت ادغام‌های اقتصادی در این سازمان، که تاکنون به فعلیت رسیده و یا امکان تحقق دارند، مطالعه می‌شود. پس از آن منافع یکپارچگی و ارزش‌گذاری بلوک‌های اقتصادی موجود در سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، شاخص‌های عمده (همجواری، تشابه تجاری، ساختار اقتصادی و آزادی اقتصادی) در بلوک بندی اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مطرح و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در نهایت به جمع بندی و ارائه‌ی یک بلوک همکاری با در نظر گرفتن شاخص‌های مورد بحث و متکی بر بخش کشاورزی پرداخته می‌شود.

⁵ Cindoruk

⁶ Ali

۲- سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) مشتمل بر ۵۷ کشور مستقل اسلامی است. این سازمان در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۷ با عضویت ۲۵ کشور در جریان اولین نشست سران دنیای اسلام در رباط مراکش که به دنبال آتش سوزی صهیونیست‌ها در بیت‌المقدس برگزار شد، تأسیس یافت. سومین نشست وزرای خارجی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی، در فوریه ۱۹۷۲، سازمان با هدف اقتدار، همبستگی و همکاری میان دولت‌های اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی تنظیم شد. پس از آن نشست‌های متعددی برای تحقق اهداف سازمان انجام پذیرفت و در نهایت در جلسات اخیر بحث یکپارچگی و ایجاد بازار مشترک اسلامی مطرح شد. اهداف سازمان کنفرانس اسلامی بر روی اتحاد و همبستگی میان کشورهای عضو، همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و سایر زمینه‌ها و نیز یکپارچگی جهان اسلام برای حفظ عزت، استقلال و حقوق ملی، جهت دهی فعالیت‌ها به سمت حفظ مکان‌های مقدس و حمایت از دفاع مردم فلسطین، تلاش برای از میان بردن تبعیض نژادی و ایجاد فضای مطلوب برای پیشرفت همکاری میان دولت‌های عضو و سایر کشورها متمرکز شده است (سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۰۰).

سازمان کنفرانس اسلامی در ابتدا به عنوان یک سازمان سیاسی آغاز به کار نمود و متعاقب آن عملکرد مؤثر سیاسی را به سمت بهبود همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو سوق داد. از این رو، تعمیق همکاری‌های اقتصادی به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد بحث سازمان قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل هم در پنجاه و پنجمین نشست خود تصمیم به گسترش و افزایش همکاری میان سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی گرفت.

به منظور اقتدار اقتصادی و همکاری تجاری میان کشورهای عضو تصمیمات مختلفی اتخاذ شده و فعالیت‌های زیادی در چهار چوب این تصمیمات انجام گرفته است. در دوازدهمین نشست وزیران این سازمان در سال ۱۹۸۱ توافقنامه‌ای به منظور پیشرفت و انتقال تکنولوژی میان دولت‌های عضو و حمایت سرمایه‌گذاری در مقابل خطرات اجتماعی تجاری و تضمین انتقال سرمایه به خارج به وجود آمد (چاپرا، ۱۹۹۳^۷). در سال ۱۹۸۴ اولین نشست کمیته‌ی همکاری اقتصادی و

⁷ Chapra

تجاری (COMCEC)^۸، برنامه‌ی کوتاه مدتی را برای پیشرفت تجارت میان کشورهای عضو OIC اجرا نمود. در ششمین نشست همین کمیته، چهار چوب توافقنامه‌ی تأسیس سیستم ترجیح تجاری میان کشورهای عضو مشخص شد. در هفتمین نشست سران کشورهای اسلامی در دسامبر ۱۹۹۴، طرح عمل به همکاری اقتصادی میان اعضا اتخاذ شد که شامل زمینه‌های کشاورزی، توسعه‌ی روستایی، صنعت، انرژی، تجارت خارجی، حمل و نقل و ارتباطات، توریسم، پول و بانکداری، و جوه سرمایه، تکنولوژی و همکاری‌های فنی، توسعه‌ی منابع انسانی و محیط زیست می‌شد و در نهایت در سال ۱۹۹۷ در هشتمین نشست سران تصمیم تشکیل بازار مشترک اسلامی گرفته شد.

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارای پراکندگی جغرافیای زیادی هستند، به طوری که ۲۷ کشور در قاره‌ی آسیا، ۲۸ کشور در قاره‌ی آفریقا، ۱ کشور در اروپا و ۲ کشور در آمریکای لاتین قرار دارند. از نظر مساحت کشورهای عضو OIC شرایط مختلف است. بزرگترین آنها، قزاقستان با مساحت ۲۶۷۱ هزار کیلومتر مربع و کوچک‌ترین آنها مالدیو با مساحت ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند. حدود $\frac{1}{3}$ جمعیت کل جهان ساکن در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند. پر جمعیت‌ترین آنها کشور اندونزی با جمعیتی در حدود ۲۲۰ میلیون نفر و کم جمعیت‌ترین، مالدیو با جمعیتی کمتر از نیم میلیون نفر است. متوسط رشد جمعیت در این کشورها $\frac{3}{2}$ درصد است. اکثر کشورهای OIC جزء کشورهای کمتر توسعه یافته محسوب می‌شوند و معمولاً با درآمد سرانه‌ی پایین و نرخ رشد بالای جمعیت مواجه هستند. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تقریباً ۲۳ درصد از کل مساحت جهان را به خود اختصاص داده‌اند، در صورتی که تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۱۹۹۸ تنها $\frac{2}{4}$ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان بوده است. مهمترین بخش اقتصادی در این کشورها کشاورزی و خدمات است (فرهمنده، ۱۳۸۰).

⁸ The Standing Committee for Economic and Trade Cooperation

۳- پیمان‌ها و توافقات منطقه‌ای در کشورهای عضو سازمان

امروزه ادغام یا یکپارچگی اقتصادی یکی از عناصر مهم و استراتژیک تصمیمات اقتصادی اکثر کشورهای دنیا است. در این راستا، بزرگترین ادغام‌های اقتصادی و سیاسی که تاکنون شکل گرفته است، اتحادیه‌ی اروپا (EU)^۹ در قاره‌ی اروپا و اتحادیه‌ی ملت‌های جنوب شرق آسیا (ASEAN)^{۱۰} در قاره‌ی آسیا است. سایر کشورهای دنیا می‌کوشند که از این اتحادیه‌ها الگو گرفته، از ادغام اقتصادی به عنوان ابزاری برای دسترسی به بازار بزرگتر و رشد اقتصادی بالاتر برای به دست آوردن رفاه بیشتر استفاده کنند. به طور کلی، ادغام‌های اقتصادی در اشکال متنوع موافقتنامه‌ی ترجیحی، ناحیه‌ی آزاد تجاری، اتحادیه‌ی گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه‌ی اقتصادی (پولی) و اتحادیه‌ی کامل اقتصادی مشاهده می‌شود. شایان ذکر است در حالی که آزادی تجاری، چهارچوب اصلی سازمان تجارت جهانی (WTO) است، منطقه‌گرایی اقتصادی مرحله‌ی ضروری دیگری از روابط تجاری است که موجب افزایش تجارت در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، اگر چه این دو ناسازگار و در تقابل یکدیگر نیستند.

۳-۱- پیمان‌های سیاسی - اقتصادی

پیشرفت در همکاری‌های منطقه‌ای در بین کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی در قالب زیر بلوک‌های اقتصادی و سیاسی، نیازمند برقراری روابط نزدیکتر در میان آنها است. بویژه این که اهداف منطقه‌گرایی و برنامه‌های آن دسترسی بیشتر به بازارهای جدید و ایجاد ارتباطات قوی تجاری در بازارهای جهانی را در بر می‌گیرد. کشورهای اسلامی به گروه‌های متفاوتی در زمینه‌ی ساختار اقتصادی، سطح توسعه، سیستم‌های سیاسی، وضعیت قومی و فرهنگی تقسیم می‌شوند. اگر چه همه‌ی آنها در یک چیز یعنی اسلام مشترک هستند، این ناهماهنگی در بین کشورهای اسلامی بحث‌های زیادی را در مورد امکان و یا عدم امکان در تشکیل بازار مشترک اسلامی به دنبال داشته است. طیف متنوعی از گروه بندی‌های منطقه‌ای و توافقنامه‌ی ترجیحی در بین کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی منعقد شده است، به طوری که این گروه بندی‌ها را می‌توان در دو گروه تقسیم

^۹ European Union

^{۱۰} Association of South East Asian Nations

بندی نمود. شکل همگرایی بلوک‌های *OIC* در بین کشورهای عضو و غیر عضو در جدول‌های ۱ و ۲ ضمایم به ترتیب آمده است.

گروه اول شامل اتحادیه‌ی مغرب عربی (*AMU*)^{۱۱}، شورای همکاری اقتصادی (*CAEU*)^{۱۲}، شورای همکاری خلیج (*GCC*)^{۱۳} و سازمان همکاری‌های اقتصادی (*ECO*) است.

گروه دوم هم شامل طرح‌های همکاری منطقه‌ای در آفریقا است. از آن جمله می‌توان به مجمع اقتصادی آفریقا (*AEC*)^{۱۴}، اتحادیه‌ی گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی (*UDEAC*)^{۱۵}، بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (*COMESA*)^{۱۶} اشاره نمود.

اتحادیه‌ی مغرب عربی (*AMU*)، شورای همکاری خلیج (*GCC*) و شورای اتحادیه‌ی اقتصادی عرب (*CAEU*) در اولین قدم تاسیس اتحادیه‌ی گمرکی را هدف قرار دادند و پس از آن در پی تاسیس یک بازار مشترک برآمدند. از طرفی دیگر، شورای همکاری اقتصادی (*ECO*) یک توافقنامه‌ی ترجیحی است که بر روی بعضی از تولیدات کالاهای کشورهای عضو اعمال می‌شود. مهمترین اقدام این سازمان در همکاری‌های بیمه‌ای، استقرار مؤسسات بیمه‌ی اکو بوده است. همچنین، اتحادیه‌ی مغرب عربی تحرک آزاد شهروندان، کالا و خدمات و تولید انرژی در داخل منطقه را پیش بینی کرده است. اهداف این اتحادیه در ابتدا تقویت اقتصاد و مناسب فرهنگی، تثبیت منطقه‌ای و افزایش تمایلات دو طرفه‌ی تجاری در میان کشورها در این منطقه است. از طرفی دیگر، تصمیم گیران بانک مرکزی اتحادیه‌ی مغرب عربی یک موافقتنامه‌ی پرداخت چند جانبه در جهت تسهیل کردن عملیات درون بانک‌ها در منطقه امضاء کرده‌اند. این توافق نامه کیفیت پرداخت‌ها در بین بانک‌های مرکزی کشورهای عضو را یکسان و عدم دریافت بهره را بر روی این پرداخت‌ها فراهم می‌کند. اتحادیه، توافقنامه‌های دو جانبه را بین کشورهای شریک مجاز می‌شمرد. همچنین، امکاناتی برای دیگر اعراب و کشورهای آفریقایی برای پیوستن به اتحادیه در قدم‌های بعدی فراهم می‌کند (کبیر حسن،

¹¹ Arab Maghreb Union

¹² Council of Arab Economic Union

¹³ Gulf Co-operation Council

¹⁴ African Economic Community

¹⁵ Central African Customs and Economic Union

¹⁶ Common Market for Eastern and Southern Africa

۲۰۰۲). هدف نهایی در اتحادیه‌ی اقتصادی عرب، تاسیس یک بازار مشترک عربی است، در حالی که اهداف اولیه‌ی این اتحادیه تاسیس اتحادیه‌ی گمرکی بوده است. در این راستا، موانع تعرفه‌ای و محدودیت تحرک نیروی کار و حمل و نقل از میان برداشته شده است، به طوری که چهارچوب انعطاف پذیری برای همکاری‌های متقابل فراهم شده است.

هدف شورای همکاری خلیج (GCC) نیز تاسیس یک بازار مشترک در میان اعضاء با تحرک کامل عوامل تولید، کالاها و خدمات است. به منظور دستیابی به این مهم، یک الگوی یکسان در زمینه‌های مختلف از جمله قوانین مشابه اقتصادی، مسائل مالی، کشاورزی، صنعت، آموزش، توریسم، قانونگذاری و گمرکات ارائه می‌شود. هدف آتی این شورا ایجاد ثبات و یکپارچگی سیاسی و اقتصادی در جهت همکاری‌های اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالی است. هدف اکو هم کاهش موانع و حرکت به سوی تجارت درون و برون منطقه‌ای است که در این دیدگاه ایجاد یک ناحیه‌ی تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو است. بر طبق این دیدگاه، کشورهای عضو، موانع تعرفه‌ای و گمرکی را در بعضی تولیدات کاهش خواهند داد.

۳-۲- گروه‌های منطقه‌ای در میان کشورهای OIC و سایر کشورها

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی موافقتنامه‌های متعددی را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و تجاری با سایر کشورهای غیر عضو سازمان کنفرانس اسلامی به امضاء رسانده‌اند. ۹ مورد از این موافقتنامه‌ها مربوط به کشورهای آفریقایی عضو سازمان و ۵ مورد دیگر در ارتباط با کشورهای آسیایی و اروپایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی است. از جمله‌ی این پیمان‌ها می‌توان به مجمع اقتصادی آفریقا (AEC)، اتحادیه‌ی گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی (UDEAC)، بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (COMESA)، اتحادیه‌ی ملت‌های جنوب شرق آسیا (ASEAN) اشاره نمود که متشکل از کشورهای عضو سازمان و دیگر کشورهای غیر عضو است.

هدف عمده در پیمان‌های منطقه‌ای در آفریقا ایجاد طرح‌های همگرایی در جهت رسیدن به بازار مشترک است. بسیاری از موافقتنامه‌های منطقه‌ای در این قاره، تصمیم به ایجاد طرح‌های بزرگ همگرایی گرفته‌اند، به گونه‌ای که در نهایت

به یک اتحاد پولی دست یابند. سایر پیمان‌های منطقه‌ای نظیر ^{۱۷}MRU و ^{۱۸}IOC ناحیه‌ی تجاری ترجیحی را هدف‌گذاری نموده‌اند. در عمل، هدف پیمان‌های منطقه‌ای در کشورهای آسیایی و اروپایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تشکیل ناحیه‌ی آزاد تجاری یا اتحادیه‌ی گمرکی است. توجه اساسی همکاری‌های اقتصادی دست‌یابی به توسعه و رشد اقتصادی بیشتر کلیه‌ی شرکا در راستای استفاده از توانایی یکدیگر است. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در آسیا (نظیر ایران، ترکیه و پاکستان)، خاورمیانه و بخصوص شرق دور (کشورهای جنوب شرقی آسیا) در برنامه‌ها و طرح‌های همکاری منطقه‌ای بسیار فعال بوده‌اند. بعضی از کشورها در حال پیوستن به این پیمان‌ها و برخی دیگر، طرح‌ها را به مرحله‌ی اجرا رسانده‌اند. ارزیابی طرح‌های همگرایی منطقه‌ای در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نشان می‌دهد که اهداف اولیه و نهایی این الگوها با یکدیگر متفاوت است و مشکلات مفهومی زیادی در این رابطه برای کشورها وجود دارد (احمد و همکاران،^{۱۹} ۱۹۹۶). از طرفی دیگر، تنوع و اختلاف در ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها، رسیدن به یک الگوی واحد را برای همگرایی منطقه‌ای بین آنها با مشکل مواجه نموده است. مطالعه بر روی انواع فرم‌های همگرایی و ایجاد بلوک‌های نسبتاً همگن یکی از راه‌حل‌های این مشکل خواهد بود. این بلوک‌ها باید بلوک‌هایی باشند که بتوانند تفاوت را در بین اعضا کاهش دهند و زمینه‌ی افزایش همکاری و تعامل اقتصادی را فراهم آورند.

۴- همجواری و آزادی اقتصادی در کشورهای عضو

۴-۱- همجواری و بلوک بندی

هزینه‌ی حمل و نقل یکی از ارقام مهم در تعیین قیمت کالاهای تجاری است. همجواری کشورها این هزینه را در هر شکلی از حمل و نقل کاهش می‌دهد و می‌تواند فرصت‌های اقتصادی بی‌شماری را ایجاد کند که به نحو مطلوب و سریع مورد استفاده قرار گیرد. تعامل در صحنه‌ی سیاسی برای کشورهای همسایه و همجوار ضرورتی است که پایداری نظام سیاسی در کشورها را در پی دارد

¹⁷ Mano River Union

¹⁸ Indian Ocean Commission

¹⁹ Ahmed

(السلمان، ۲۰۰۰). روابط همسایگی بین کشورها علی‌رغم بعضی از مشکلات دارای مزایای بسیاری است. اگر به قراردادهای و موافقتنامه‌های تجاری یا سیاسی نگاه شود، به این نکته که همسایگی رمز تشکیل آنها بوده است، پی برده می‌شود. در این راستا کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بر اساس همجواری، منطقه‌گرایی، هم‌نژادی و هم‌زبانی می‌توانند به صورت بلوک بندی جدیدی معرفی شوند. بلوک بندی که با مشخصات فوق صورت می‌گیرد، به ترتیب زیر قابل طبقه‌بندی است:

الف - بلوک جنوب شرقی آسیا شامل: بنگلادش، اندونزی، مالزی، مالدیو،

برونئی

ب - بلوک آمریکای جنوبی شامل گویان و سونام

پ - بلوک کشورهای تازه استقلال یافته‌ی شوروی شامل: آذربایجان،

قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان

ت - کشورهای خاورمیانه‌ی غیر عربی شامل: افغانستان، پاکستان، ایران و

ترکیه

ث - کشورهای خاورمیانه‌ی عربی شامل: بحرین، امارات، کویت، عراق، اردن،

لبنان، قطر، عمان، عربستان سعودی، سوریه، فلسطین، یمن

ج - بلوک کشورهای فرانسوی زبان شمال آفریقا: الجزایر، تونس، مراکش،

لیبی، مصر

چ - بلوک کشورهای مرکزی آفریقا: سودان، بنین، جیبوتی، بورکینافاسو،

کامرون، چاد، کومورس، ساحل عاج، گینه، گینه بیسائو، کاین، گامبیا، نیجر،

نیجریه، مالی، سورتانی، موزامبیک، سنگال، سیرالئون، سومالی، توگو، اوگاندا

ح - بلوک اروپایی شامل: آلبانی

از این رو، بلوک آمریکای جنوبی و اروپا شامل کشورهای کوچک و تعداد

اندکی است. لذا این دو طبقه تحت عنوان «سایر» مطرح می‌شود.

۴-۲- معیار آزادی اقتصادی

نگرش جدید در مورد تجارت و آزاد سازی آن در کشورهای مختلف اثرات مطلوبی را از نظر اقتصادی به همراه داشته است. پس از حرکت کشورها به سوی تجارت آزاد، از سال ۱۹۹۵ متغیرهای مختلفی به عنوان شاخص‌های آزادی اقتصادی پیشنهاد شده است که مستقیماً با آزادی اقتصادی در جهات مختلف ارتباط دارند. شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری آزاد سازی اقتصادی معرفی شده‌اند، به قرار زیر است (بنیاد هریتیج،^{۲۱} ۲۰۰۶).

الف- سیاست‌های تجاری

سیاست تجاری یکی از معیارهای عمده‌ی اندازه‌گیری شاخص آزادی اقتصادی است. درجه‌ی آزادی جریان تجاری و دخالت دولت در این زمینه مجموعاً بر روی دستیابی افراد جامعه به اهداف اقتصادی‌شان مؤثر خواهد بود. سه متغیر برای سیاست تجاری در نظر گرفته می‌شود که شامل میانگین وزنی نرخ تعرفه، موانع غیر تعرفه‌ای و انحرافات گمرکی است. به‌عنوان مثال، در صورتی که نرخ متوسط تعرفه‌ی گمرکی برابر یا کمتر از ۲/۵ درصد باشد، سیاست حمایتی تجاری در سطح بسیار پایین قرار می‌گیرد و برای موارد بیشتر از ۲۰ درصد، بسیار بالاست. بنابراین، معیار آزادی اقتصادی تجاری دارای رابطه‌ی معکوسی با سیاست‌های حمایتی است و چنانچه رقم نرخ متوسط تعرفه بیشتر باشد، از درجه‌ی آزادی اقتصادی کاسته می‌شود.

ب- بار مالی دولت

برای اندازه‌گیری این شاخص، نرخ نهایی مالیات و تغییرات سالیانه‌ی مخارج دولت بر اساس درصدی از تولید ناخالص ملی ملاک قرار می‌گیرد. نرخ نهایی مالیات وضع شده برای افراد، قیمت پرداختی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که به نوبه‌ی خود بر فعالیت‌های آینده‌ی اقتصادی و ریسک بنگاه‌ها مؤثر است. متغیرهای این شاخص عبارت از بالاترین نرخ مالیات بر درآمد، بالاترین نرخ مالیات بر شرکت‌ها، تغییرات سالیانه‌ی درصد مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی هستند. کمترین سطح این متغیر مربوط به نرخ مالیاتی کمتر از ۱۵ درصد و بیشترین سطح

²¹ The Heritage Foundation

آن مربوط به نرخ بالای ۳۶ درصد مالیات بر بنگاه‌ها است. درجه‌ی آزادی اقتصادی ارتباط معکوسی با بار مالی در یک کشور دارد. بنابراین، با افزایش نرخ مالیات و سهم مخارج دولت در تولید ناخالص ملی، آزادی اقتصادی کاهش می‌یابد.

پ- دخالت اقتصادی دولت

این شاخص استفاده‌ی مستقیم دولت از منابع و همچنین کنترل و مالکیت منابع اقتصادی توسط دولت را اندازه‌گیری می‌کند. متغیرهای این معیار شامل مصرف دولت به صورت درصدی از کل اقتصاد، مالکیت دولتی فعالیت‌های صنعتی و تجاری، سهم درآمد دولت از درآمدهای استانی و مالکیت دولت و کالاهای نهایی تولید شده توسط دولت هستند.

د- سیاست پولی

ارزش پولی ملی یک کشور با سیاست‌های پولی آن در ارتباط است. در یک سیاست پولی با ثبات، قیمت‌های بازار در حال و آینده از ثبات نسبی برخوردارند. بنابراین، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و سایر برنامه‌های بلندمدت اقتصادی تسهیل شده و افراد از آزادی اقتصادی بیشتری برای تصمیم‌گیری برخوردار می‌باشند. تورم بر خلاف سیاست پولی باثبات، موجب از بین رفتن ارزش‌های مالی افراد، برهم خوردن نسبت قیمت‌ها، انحراف منابع تولید، افزایش هزینه‌های فعالیت‌های تجاری و خراب شدن پایه‌های جامعه خواهد شد. این آثار البته به نوبه‌ی خود محدودکننده‌ی آزادی اقتصادی نیز هست. چنانچه مقدار این شاخص بر اساس نرخ متوسط وزنی تورم، کمتر از ۳ درصد باشد، آزادی اقتصادی از وضعیت خوبی برخوردار است.

ث- جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی

وجود محدودیت و موانع در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی و جریان سرمایه، مختل‌کننده‌ی آزادی اقتصادی است. در مقابل، کاهش محدودیت و یا عدم آن بر روی سرمایه‌گذاری خارجی، آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ زیرا سرمایه‌گذاری خارجی تامین‌کننده‌ی منابع لازم برای تولید داخلی است.

متغیرهای این شاخص شامل کدگذاری سرمایه گذاری خارجی، محدود کردن مالکیت خارجی در فعالیتهای تجاری، محدود کردن شرکتها و صنایع برای سرمایه گذاری خارجی، محدودیت و پیش نیازها برای شرکتهای خارجی، مالکیت خارجی بر روی زمین، برابری قانون برای شرکتهای داخلی و خارجی، محدودیت روی بازگشت منافع به کشورهای مادر، محدودیت بر روی انتقال سرمایه و دسترسی به منابع مالی برای شرکتهای خارجی است.

ج- بانکداری و تامین مالی

در بیشتر کشورها بانکها تأمین کننده اصلی منابع مالی هستند که رشد اقتصادی را تسهیل می کنند. فعالیتهای آنها شامل اعطای وام برای فعالیتهای اقتصادی و تجاری، خرید خانه و تأمین اعتبار برای خرید کالاهای مصرفی است. به علاوه، بانکها مکان امنی را برای ذخیره ی منابع مالی افراد فراهم می کنند. اکثر بانکها در کشورهای جهان سوم تحت کنترل دولت هستند و آزادی کمتری در زمینه ی فعالیتهای بانکی دارند، به طوری که کنترل شدید بانکها توسط دولت باعث کاهش آزادی اقتصادی می شود. در نتیجه، کنترل بانکها توسط دولت، رابطه ی معکوسی با آزادی اقتصادی خواهد داشت.

متغیرهای این معیار شامل میزان مالکیت دولت بر موسسات مالی، محدودیت های دولتی روی تأسیس بانکهای خارجی و شعب آنها، میزان دخالت دولت بر روی تخصیص اعتبارات، کنترل دولت و ایجاد موانع برای فعالیتهای مالی، آزادی عمل بانکها بر روی ارائه ی انواع خدمات مالی، ایمنی و سیاستهای بیمه ای است.

چ- دستمزد و قیمت

در یک اقتصاد آزاد، قیمت یک راهنما برای تخصیص منابع تولید است. به طور کلی، وقتی سازوکار قیمتها و دستمزدها آزادانه عمل کنند، درجه ی بالایی از آزادی اقتصادی نشان داده می شود. بنگاههایی که نیازمند کارگران بیشتر هستند، با اعلام دستمزد بالاتر، این نیاز را بر طرف می نمایند، کسی که قیمت بیشتری را برای خرید پیشنهاد کند، می تواند مالک کالا شود و قیمتها برای مصرف کننده و تولید کننده با تبادل اطلاعات همراه است. به عنوان مثال، افزایش تقاضا برای

کالاها، قیمت‌ها را بالا می‌برد و این نشانه‌ای برای تولید کننده است که میزان تولید را افزایش دهد.

عواملی که شاخص دستمزد و قیمت را می‌سازد، شامل قانون حداقل دستمزد، آزادی اعلام و تنظیم قیمت‌ها بدون کنترل دولتی، کنترل قیمت توسط دولت، کسش کنترل قیمت‌ها توسط دولت و سوبسید دولت بر روی فعالیت‌های تجاری که قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، است.

ح- حقوق مالکیت

معیار قیمت‌ها برای اندازه‌گیری حمایت دولت‌ها از حقوق مالکیت شخصی با توسل به قوانین استفاده می‌شود. همچنین، چگونگی حمایت از حقوق مالکیت در برابر سلب آن را ارزیابی می‌کند. کاهش حمایت از حقوق مالکیت خصوصی موجب کاهش سطح آزادی اقتصادی در یک کشور است. در صورتی که حقوق مالکیت خصوصی تضمین شود، درجه‌ی آزادی اقتصادی بالاتر می‌رود. در مقابل، عدم ثبات قوانین حقوق مالکیت و عدم توجه به آن در سیستم قضایی و فساد دستگاه دادرسی، درجه‌ی آزادی را در کشورها کاهش می‌دهد.

خ- تعدیلات

محدودیت‌ها و تعدیلات هزینه‌های بنگاه‌ها متأثر از مالیات‌ها هستند که این خود مشکلاتی را در ارتباط با تشکیل یا حفظ فعالیت‌های تجاری ایجاد می‌کند. در بعضی کشورها، دولت به‌طور رسمی با ایجاد بخش خصوصی به صورت کلی یا جزئی مخالف است. البته، بیشتر این تنظیمات، فعالیت‌های تجاری را به تعویق می‌اندازد. چنین سیاستی، عدم صدور نشانه‌ی بارز گواهی تأسیس شرکت‌ها در فعالیت‌های تجاری جدید است. در بعضی دیگر از کشورها نظیر ایالات متحده، تولید کنندگان برای گرفتن گواهینامه‌ی تجاری به سادگی با فرستادن یک فرم ثبت نام، این گواهی را با حداقل هزینه دریافت می‌دارند. در هنگ کنگ گرفتن یک گواهینامه‌ی تجاری فقط نیازمند تکمیل نمودن یک فرم می‌باشد. در برخی دیگر از کشورها مانند هند و امریکای جنوبی، این فرایند شامل سفرهای طولانی به قسمت‌های

مختلف کشور و ادارات برای اخذ گواهینامه است و بیش از یکسال به طول می-
انجامد (وال استریت ژورنال، ۲۲ ۲۰۰۶).

در صورتی که قوانین برای تمامی مشاغل یکسان باشد و تعدیلات بر روی
فعالیت‌های تجاری انجام نشود و فساد هم تقریباً وجود نداشته باشد، آنگاه بیشترین
آزادی اقتصادی وجود خواهد داشت. این معیار بیانگر میزان سهولت یا سختی
ایجاد و اداره‌ی یک فعالیت تجاری است.

د- بازار غیر رسمی

در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه، بازارهای غیر رسمی و نهادهای
غیر متشکل، انحراف در جریان تولید کالاها و خدمات و نیز صدور و ثبت انواع
گواهینامه‌های حرفه‌ای و بازرگانی را به وجود آورده‌اند. به طور ملموس، شاخص
بازار غیر رسمی نشانه‌ای از محدودیت‌ها در آزادی اقتصادی است که شامل
جنبه‌های مختلفی از جمله قاچاق، دزدی حقوق معنوی، عرضه‌ی محصولات
کشاورزی در بازار غیر رسمی، عرضه‌ی محصولات کارخانه‌ای در این بازار، عرضه‌ی
خدمات در بازار غیر رسمی، حمل و نقل غیر رسمی و عرضه‌ی نیروی کار در بازار
غیر رسمی و وجود بازارهای غیر رسمی در زمینه‌ی وام و سررسید قراردادهای
دولتی است.

۴-۳- بررسی معیار آزادی اقتصادی در بلوک بندی کشورهای همجوار

شاخص آزادی اقتصادی در ده معیار فوق تعریف شد که هر کدام بخشی از
اقتصاد یک کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. بعضی از این معیارها در ارتباط
مستقیم با آزادی اقتصادی و برخی دیگر دارای ارتباط معکوس با آزادی اقتصادی
است. برای دستیابی به یک معیار واحد آزادی اقتصادی، میانگین ساده ده معیار
اشاره شده می‌تواند معیار مناسبی باشد. در جدول زیر معیار آزادی اقتصادی در
طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ و میانگین این معیار ارائه شده است.

²² The Wall Street Journal

جدول ۱: معیار آزادی اقتصادی در طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ و میانگین سال‌ها

نام کشور	معیار آزادی اقتصادی							
	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
آلبانی	۳/۵۳	۳/۶۳	۳/۶۴	۳/۵۸	۳/۵۶	۳/۸۳	۳/۴۸	۳/۲۴
الجزایر	۳/۶۸	۳/۷	۳/۶۳	۳/۶۴	۳/۵۹	۳/۴	۳/۴۵	۳/۰۵
آذربایجان	-	۴/۷۸	۴/۵۸	۳/۴	۴/۲۴	۴/۲۸	۳/۸۸	۳/۵۸
بحرین	۱/۸۳	۱/۸	۱/۸۵	۱/۹۵	۱/۸۶	۱/۹۳	۱/۹۶	۲/۰۵
بنگلادش	۳/۷۹	۳/۷۹	۳/۷۶	۳/۸	۳/۹۸	۴/۰۴	۴/۰۵	۳/۶۵
بنین	-	۳/۵۳	۳/۴۴	۳/۳۵	۳/۳۴	۳/۲۱	۳/۲۳	۳/۴۶
بورکینافاسو	-	۳/۹۱	۳/۷۶	۳/۷۵	۳/۵۸	۳/۵۶	۳/۴۵	۳/۳
کامرون	۳/۵۱	۴/۰۸	۳/۹۵	۳/۹۶	۳/۶۵	۳/۷۳	۳/۵	۳/۴۵
چاد	-	-	۴/۲۴	۴/۱۹	۴/۰۱	۳/۹۵	۳/۷۴	۳/۷۵
جیبوتی	-	-	۳/۱۸	۳/۲۹	۳/۲۸	۳/۳۸	۳/۳۸	۳/۱۶
مصر	۳/۶۹	۳/۴	۳/۴۹	۳/۲۶	۳/۳	۳/۵۳	۳/۵۳	۳/۴۸
گابن	۳/۱۹	۳/۶۳	۳/۳۱	۳/۱۸	۳/۰۹	۳/۲۶	۳/۳۸	۳/۳۳
گامبیا	-	-	۳/۶	۱/۷۱	۳/۵۵	۳/۶۹	۳/۶۴	۳/۲۹
گینه	۳/۲۹	۳/۱۳	۳/۳۹	۳/۱۶	۳/۱۹	۳/۳۴	۳/۲۱	۳/۴۵
گینه بیائو	-	-	-	۴/۵	۴/۴	۴/۱۹	۴/۱۵	۴/۳۱
گویان	۳/۷	۳/۳۸	۳/۴	۳/۵۵	۳/۳	۳/۳۵	۳/۳۵	۳/۲۳
اندونزی	۳/۵۳	۳	۳/۰۵	۳	۳/۱۴	۳/۵۵	۳/۶۵	۳/۴۹
ایران	-	۴/۷۹	۴/۸	۴/۷۱	۴/۵۱	۴/۶۹	۴/۸۴	۴/۶۳
عراق	-	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۹	۴/۹	۵
اردن	۲/۹۱	۲/۱۵	۲/۸۵	۲/۹۴	۲/۹۱	۲/۶۵	۲/۸	۲/۷۳
قزاقستان	-	-	-	-	۴/۱۴	۳/۶۵	-	۳/۶۵
کویت	-	۲/۵۵	۲/۴۴	۲/۵۵	۲/۴۵	۲/۵	۲/۵۳	۲/۶۶
قرقیزستان	-	-	-	-	۳/۶۸	-	-	-
لبنان	-	۲/۹۱	۲/۷۳	۳/۰۶	۳/۰۳	۳/۰۶	۲/۷	۳/۰۱
لیبی	-	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۸۵	۴/۹	۴/۶
مالزی	۲/۵	۲/۶۸	۲/۸	۲/۵۹	۲/۶۴	۲/۸۱	۳	۳/۱۸
مالی	۳/۴۸	۳/۳۹	۳/۴۵	۳/۲۸	۳/۱۹	۳/۰۸	۳/۱۵	۳/۱
موریتانی	-	۳/۸۸	۴/۰۳	۳/۹۶	۴	۴	۳/۸۹	۳/۴۶
مراکش	۳/۰۳	۲/۹۴	۳/۰۵	۳/۰۳	۲/۹	۳/۰۵	۲/۸	۳/۱
موزامبیک	۴/۳۴	۴/۰۶	۴/۱۵	۴/۱۵	۴/۱۵	۳/۹۴	۳/۳۵	۳/۲
نیجر	-	۴/۲	۴/۱۹	۴/۰۱	۳/۹۱	۴/۰۹	۳/۷۸	۳/۷۴
نیجریه	۳/۳۸	۳/۴۸	۳/۴۳	۳/۴	۳/۴	۳/۳۴	۳/۴۹	۳/۷۴
عمان	۲/۷	۲/۸۵	۲/۷۹	۲/۷۴	۲/۸۵	-	-	-
پاکستان	۳/۳۴	۳/۲۶	۳/۲۹	۳/۳۱	۳/۵	۳/۵	۳/۵	۳/۴۹
قطر	-	-	-	-	۳/۰۶	۳/۱۳	۳/۱۳	۳/۰۸
عربستان سعودی	-	۳	۳	۲/۹۴	۲/۱۶	۳/۲	۳/۳۵	۳/۱۶
سنگال	-	۳/۷۶	۳/۶۴	۳/۴۶	۳/۳۶	۳/۲۹	۳/۳۳	۳/۴۵
سیرالئون	۳/۸۵	۳/۶۵	۳/۷۹	۳/۷	۴/۰۱	۴/۰۹	-	-
سومالی	-	۴/۶۵	۴/۶۵	۴/۶۵	۴/۷۵	۴/۸	-	-
سودان	۳/۴	۱/۴	۳/۴	۴/۲۹	۴/۳۹	۴/۰۵	-	-
سورنیام	-	۱/۴	۴	۱/۴	۴/۰۸	۳/۹۸	۳/۹۸	۳/۹۸
سوریه	-	۴/۱۵	۴/۱۴	۴/۰۱	۴/۰۴	۴/۰۵	۴	۴/۱۱

۴/۱۸	۴/۱۴	۴/۱۶	۴/۱۶	۴/۱۵	۳/۴	-	-	-	تاجیکستان
۴/۰۲	۳/۸۸	۴	۴/۰۵	۴/۱۴	-	-	-	-	توگو
۲/۹۱	۲/۸۹	۲/۹۹	۲/۹۴	۲/۹۶	۲/۹	۲/۸۹	۲/۸۳	۲/۹۳	تونس
۲/۸۲	-	-	-	۲/۸	۲/۶۶	۲/۷۵	۲/۹۵	۲/۹۵	ترکیه
۴/۴۱	۴/۳۹	۴/۳۹	۴/۴	۴/۳۹	۴/۵	-	-	-	ترکمنستان
۲/۸۳	-	-	-	۲/۶۴	۲/۶۴	۲/۸	۲/۹۴	۳/۱۵	اوگاندا
۲/۳۳	۲/۳۳	۲/۲۱	۲/۲۵	۲/۳۵	۲/۳	۲/۴	۲/۴۵	-	امارات
۴/۵۳	۴/۳۴	۴/۵۶	۴/۵۱	۴/۵۹	۴/۶۳	-	-	-	ازبکستان
۳/۹۳	۳/۷۹	۳/۹۸	۳/۹۴	۴/۱۴	۴/۱۵	۳/۹	۳/۸۳	۳/۷۴	یمن

ماخذ: بنیاد هریتیج (۲۰۰۶)

چنان که پیشتر ذکر شد، بلوک‌بندی پیشنهادی بر اساس همجواری جغرافیایی بنا نهاده شده است. به این ترتیب، با طرح این بلوک بندی می‌توان شواهدی اقتصادی که حکایت از قابلیت قرارگیری کشورهای داخلی هر بلوک پیشنهادی در کنار یکدیگر داشته باشند، ارائه نمود. بدیهی است متغیرها و عناصر بسیار متعددی را می‌توان به عنوان معیاری برای ارزیابی پیشنهادی فوق ارائه کرد. البته، شباهت‌های ساختاری در اقتصاد کشورهای داخل هر بلوک در این مسیر راهگشا خواهد بود.

طی دهه‌های اخیر سمت‌گیری اقتصادهای مختلف به سوی کاهش قواعد و مقررات و آزادسازی اقتصادی به مثابه یک ارزش اقتصادی شناخته شده است و دولت‌ها می‌کوشند به دلایل گوناگون ساختار اقتصادهای خود را به سوی آزادی اقتصادی و تعدیل دخالت‌ها هدایت کنند. در عمل، شاخص آزادی اقتصادی به ترتیبی که ذکر آن رفت، به عنوان معیاری برای تطابق و سازگاری اقتصادهایی که در داخل هر بلوک قرار می‌گیرند، استفاده می‌شود.

جدول شماره ۲ اطلاعات مربوط به درجه‌ی آزادی اقتصادی را برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قالب بلوک بندی پیشنهادی طی دوره‌ی ۲۰۰۲ - ۱۹۹۵ به صورت میانگین ارائه می‌دهد. در این جدول، میانگین، انحراف معیار و شاخص ضریب تغییرات نیز ارائه شده است.

رتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار و ضریب تغییرات شاخص آزادی اقتصادی

بلوک بندی	کل کشورهای اسلامی	عربی شمال آفریقا	آفریقایی غیر عربی	خاورمیانه عربی	خاورمیانه غیر عربی	آسیای میانه و قفقاز	سایر
میانگین	۳/۵۹	۳/۵۵	۳/۷	۳/۱۳	۳/۶۴	۴/۱۵	۳/۶۶
انحراف معیار	۰/۶۶	۰/۷۹	۰/۴۴	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۳۱	۰/۳۲
ضریب تغییرات	۰/۰۱۸	۰/۰۲۲	۰/۰۱۱	۰/۰۲۷	۰/۰۲۶	۰/۰۷	۰/۰۸

ماخذ: محاسبات تحقیق

میانگین شاخص آزادی اقتصادی برای کل کشورهای اسلامی طی دوره مورد بررسی ۳/۵۹ و شاخص ضریب تغییرات ۰/۱۸ است. در مقام مقایسه، شاخص ضریب تغییرات برای مناطق آفریقایی غیر عربی، گروه سایر کشورهای (سورنیام، گویان و آلبانی) و آسیای میانه کمتر از معیار کل کشورهای اسلامی است. برای درک علت این تفاوتها، بخصوص در مورد گروههایی که معیار ضریب تغییرات آنها بالاتر از کل کشورهای اسلامی است، باید نگاهی عمیقتر به درون این بلوک بندیها داشت. در درون بلوک کشورهای عربی شمال آفریقا وضعیت جماهیری عربی لیبی متفاوت است. این کشور با توجه به شرایط خاص نظام سیاسی حاکم، در سمت گیریهای اقتصادی نیز کمترین حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی را داشته است، چندان که میانگین درجه آزادی اقتصادی این کشور در دوره مورد بررسی ۴/۸ بوده است (که تنها از عراق (۴/۸۹) اندکی کمتر است). میانگین منطقه شمال آفریقا ۳/۵۵ است که با توجه به تعداد محدود کشورهای این بلوک، بالاتر بودن ضریب تغییرات منطقه نسبت به کل کشورهای اسلامی را باید به حضور لیبی در این بلوک مربوط دانست. توجه به این نکته نیز ضروری است که میانگین منطقه بدون در نظر گرفتن لیبی ۳/۲۱ و انحراف معیار آن ۰/۳۱ و ضریب تغییرات آن ۰/۰۹ است که کمتر از میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات کل کشورهای اسلامی است.

در بلوک خاور میانه عربی طی دوره مورد بررسی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات بلوک به ترتیب ۳/۱۳، ۰/۸۵ و ۰/۲۷ بوده است. در این منطقه شرایط کشورهای عراق و تا حدودی سوریه را مشابه وضعیت لیبی در منطقه شمال آفریقا می توان ارزیابی نمود. در این دوران هنوز حکومت صدام بر عراق حاکمیت داشته و جهت گیری اقتصادی هم در عراق و هم در سوریه به سوی آزاد سازی و کاهش دخالت دولت در اقتصاد نبوده است. با جدا سازی اطلاعات این دو

کشور از منطقه‌ی خاورمیانه‌ی عربی مشاهده می‌شود که میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات بترتیب معادل ۲/۸۳، ۰/۵۶ و ۰/۲۰ می‌شود. وضعیت خاص کشور بحرین نیز باید در این بلوک مورد توجه قرار گیرد. یعنی در حالی که شاخص آزاد سازی اقتصادی در عراق و سوریه بترتیب ۴/۸۸ (بزرگترین شاخص در کل کشورهای اسلامی) و ۴/۰۷ است شاخص مذکور برای کشور بحرین معادل ۱/۹ است که کمترین رقم در کل کشورهای اسلامی بوده و ناشی از بهبود ساختار اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در این کشور است. در واقع در این بلوک بیشترین و کمترین ارقام شاخص آزادی اقتصادی جای گرفته‌اند. با جداسازی اطلاعات بحرین از داخل این بلوک، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات شاخص آزادی اقتصادی در داخل بلوک به ترتیب معادل ۲/۹۵، ۰/۴۷ و ۰/۱۶ می‌شود. به این ترتیب، با توجه به شرایط عمومی بلوک، از نظر شاخص آزادی اقتصادی میان شرایط کل بلوک (با کنار گذاشتن موارد خاصی که ذکر شد و بعداً به آنها خواهیم پرداخت) و کل کشورهای اسلامی همگنی وجود دارد.

در بلوک کشورهای خاورمیانه‌ی غیر عربی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این بلوک نیز مشاهده می‌شود که شرایط عمومی بلوک از میانگین‌های کل کشورهای اسلامی تا حدودی متمایز است. دلیل این تمایز شرایط متفاوت اقتصادی است که قابل انکار نیست. لیکن می‌توان این سؤال را مطرح کرد که با وجود چنین میانگینی، چرا این کشورها در یک بلوک جای گرفته‌اند. سه دلیل ساده می‌توان برای این مساله ذکر کرد. دلیل نخست را باید در همجواری آنها از نظر جغرافیایی دانست که اساساً مبنای بلوک بندی کشورها در این مطالعه است؛ دلیل دوم به بنیانگذاری و حضور این کشورها طی چهار دهه‌ی اخیر در پیمان‌های اقتصادی سابقه داری چون سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)^{۲۳} دانست؛ و دلیل سوم را باید در تمایز هر سه این کشورها با دو بلوک مجاور، یکی در شمال یعنی بلوک آسیای میانه و قفقاز و دیگری در جنوب غرب، بلوک خاورمیانه عربی دانست.

اینک مساله‌ی حضور کشورهای جماهیری لیبی در بلوک عربی شمال آفریقا و بحرین، عراق و سوریه در بلوک خاورمیانه‌ی عربی مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به این نکته ضروری است که داده‌های شاخص آزادی اقتصادی به دوره‌ی ۲۰۰۲ - ۱۹۹۵ مربوط است و طی سال‌های پس از آن هر سه کشور لیبی، عراق و سوریه شاهد تحولات سیاسی و اقتصادی مهمی بوده‌اند. لیبی با تحولات در روابط خارجی خود، به نظر می‌رسد که در حال بازکردن فضای اقتصادی خود باشد. این تحول پس از پذیرش مسئولیت بمب گذاری در هواپیمای منفجر شده بر فراز لاکربی اسکاتلند، باز نمودن تاسیسات هسته‌ای کشور و دست کشیدن از برنامه‌ی اتمی آن ادامه یافت. به این ترتیب، تحریم‌های اقتصادی وضع شده از سوی جامعه‌ی جهانی رو به کاهش گذاشت و زمینه برای باز شدن فضای اقتصاد و تجارت این کشور فراهم شد. عراق نیز در آن زمان هم‌چنان تحت حاکمیت صدام حسین قرار داشت. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۲ و با ایجاد ثبات سیاسی، شرایط باز شدن و آزاد سازی اقتصادی در آن در حال تسهیل است.

به این ترتیب، با نوعی همگنی از نظر شاخص آزاد سازی اقتصادی در بلوک‌های مختلف و تطابق آن با میانگین کلی کشورهای اسلامی مواجهیم که از نظر بلوک بندی پیشنهادی را توجیه پذیر می‌نماید.

۵- همجواری و شاخص تشابه تجاری بخش کشاورزی کشورهای عضو

شاخص تشابه اقتصادی توسط معیارهای مختلفی اندازه‌گیری می‌شود. معیار مورد استفاده برای اندازه‌گیری تشابه تجاری در این مقاله، معیار کسینوس است که اولین بار توسط الن در سال ۱۹۵۷ مطرح شد. این معیار بر اساس کسینوس زاویه‌ی دو بردار صادرات و واردات در کشور اندازه‌گیری می‌شود. در این شاخص X_{ijk} جریان تجاری کالای k از کشور i به کشور j را نشان می‌دهد. اگر بر اساس اندیس j نماد فوق جمع زده شود، آنگاه مجموع صادرات کالای k از کشور i به کل جهان به دست می‌آید ($\sum_{j=1}^m X_{ijk} = X_{ik}$). به همین ترتیب، اگر مجموع صادرات کالای k از کل کشورهای جهان به کشور j محاسبه شود، کل واردات کشور j از جهان برای کالای k به دست می‌آید ($\sum_{i=1}^n M_{ijk} = M_{jk}$). بردار صادرات

کشور j ترکیبی از m قلم کالا است و به همین صورت بردار واردات کشور j نیز شامل n قلم کالا است. با تعیین زاویه‌ی دو بردار در فضای n بعدی کالا می‌توان این دو بردار را با هم مقایسه نمود. زاویه‌ی کوچک نشان می‌دهد که ترکیب کالایی صادرات کشور j (به تمام دنیا) شبیه به ترکیب کالایی واردات کشور j است. یک زاویه‌ی بزرگ نشان دهنده‌ی عدم تشابه در ساختار وارداتی و صادراتی دو کشور می‌باشد. این معیار توسط فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$\cos_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^n X_{ik} \times M_{jk}}{\sqrt{\sum_{k=1}^n X_{ik}^2 \times \sum_{k=1}^n M_{jk}^2}} \quad (1)$$

مقدار این شاخص بین یک تا صفر قرار می‌گیرد، به طوری که عدد یک نشانگر تشابه و تطابق کامل ساختار صادراتی یک کشور با ساختار وارداتی کشور دیگر است و عدد صفر عدم انطباق در تجارت را نشان می‌دهد. هر کشور دارای دو بردار وارداتی و صادراتی است. بنابراین شاخص فوق را برای هر زوج کشور در چهار حالت می‌توان محاسبه نمود. حالت اول، زاویه‌ی بردار صادراتی کشور الف و بردار وارداتی کشور ب است؛ حالت دوم، زاویه‌ی بردار وارداتی کشور الف و بردار صادراتی کشور ب؛ حالت سوم، زاویه‌ی بردار صادراتی دو کشور الف و ب است؛ و حالت سوم زاویه‌ی دو بردار وارداتی دو کشور است. از حالت‌های ذکر شده سه حالت نخست برای اندازه‌گیری معیار تشابه تجاری کشورهای *OIC* مد نظر است. به عبارتی دیگر، از این طریق می‌توان درجه‌ی تطابق در ساختار صادراتی یا وارداتی یک کشور با سایر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را برای بلوک‌بندی کشورها ارزیابی نمود. این بلوک‌بندی‌ها می‌تواند بر اساس تطابق روابط تجاری شکل گیرد و به صورت یک بلوک تأمین‌کننده‌ی نیازهای اعضای یا یک بلوک صادرکننده‌ی محصولات کشاورزی مطرح شود. در برخی از موارد، یک بلوک اقتصادی می‌تواند به عنوان یک صادرکننده‌ی بزرگ کالاهای مختلف معرفی شود. در این حالت، روابط تجاری خارج از بلوک شکل می‌گیرد. کشورهای عضو بلوک به صورت متحد، قدرت چانه زنی خود را در مقابل شرکای تجاری خارج از بلوک در قالب بازاری تقریباً انحصاری افزایش خواهند داد، به طوری که به عنوان یک تولیدکننده‌ی بزرگ در درون بازار مشترک اسلامی می‌توانند بر قراردادهای و قیمت فروش محصولات در بازار جهانی اثرگذار باشند. بدین ترتیب، منافع بیشتری ناشی از

همکاری در یک بلوک صادراتی برای هر کشور به دست خواهد آمد. برای دستیابی به دو موضوع فوق، معیار دو کسینوسی برای تطابق واردات و صادرات کشورها و همچنین انطباق صادرات یک کشور با صادرات کشور دیگری در قالب دو ماتریس تشابه (واردات - صادرات) و (صادرات - صادرات) محاسبه شده است.

۵-۱- ارزیابی معیار تشابه تجاری کشاورزی در بلوک بندی پیشنهادی

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به لحاظ توزیع جغرافیایی دارای آب و هوای متفاوتی هستند که زمینه‌ی تولید کالاهای مختلف کشاورزی را فراهم آورده است. بعضی از کشورها در بخش کشاورزی ضعیف بوده و برخی دیگر دارای بخش کشاورزی قوی هستند. همکاری کشورها در یک بلوک می‌تواند زمینه‌ی روابط درون و یا برون بلوکی را پایه ریزی نماید. برای محاسبه‌ی معیار تشابه از آمار تجارت خارجی در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ در یک کد هشت رقمی استفاده شده است، به گونه‌ای که بیش از ۴۰۰ نوع کالاهای کشاورزی زراعی و باغی برای این منظور استفاده شده است. منبع جمع‌آوری داده‌ها لوح فشرده *PC-TAS* مربوط به سال ۲۰۰۴ است. در جدول زیر معیار تشابه تجاری در دو قسمت تشابه (واردات - صادرات) و (صادرات - صادرات) برای کشورهای *OIC* آمده است.

جدول ۳: معیار تشابه صادراتی و وارداتی کشورهای عضو *OIC*، ۲۰۰۲-۱۹۹۵

نام بلوک	معیار تشابه صادرات - صادرات			معیار تشابه واردات - صادرات		
	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییر
جنوب شرقی آسیا	۰/۱۵۸	۰/۲۵۳	%۱۵۹	۰/۳۵۰۵	۰/۱۳۹۱	%۴۰
آسیای میانه و قفقاز	۰/۵۴	۰/۲۵۶	%۴۷	۰/۱۳۸۶	۰/۱۰۷۹	%۷۷
خاورمیانه عربی	۰/۲۴	۰/۱۷۸	%۷۴	۰/۴۳۱۹	۰/۱۸۰۸	%۴۱
خاورمیانه غیر عربی	۰/۳۵۴	۰/۲۲۴	%۶۳	۰/۲۰۳	۰/۱۷۱۹	%۸۴
عربی شمال آفریقا	۰/۲۹۱	۰/۱۵۸	%۵۴	۰/۳۲	۰/۱۷۹۸	%۵۶
آفریقایی غیر عربی	۰/۱۹۸	۰/۰۲۵۷	%۷۷	۰/۱۸۷	۰/۱۴۷	%۷۹
سایر	۰/۰۹۴	۰/۱۵۱	%۱۶۱	۰/۲۱۴	۰/۱۸۶	%۸۷
کل کشورهای اسلامی	۰/۲۲۶	۰/۲۵۶	%۱۱۳	۰/۲۲۸	۰/۱۷	%۷۶

ماخذ: آنکتاد (۲۰۰۴-۲۰۰۰)

همان‌گونه که ملاحظه شد، میانگین معیار کسینوس برای بلوک‌بندی کشورها بر اساس همجواری آنها، بسیار متنوع است. در بلوک جنوب شرقی آسیا تشابه روابط تجاری در صادرات کشورهای عضو در مقابل واردات همین کشورها

قوی‌تر از تشابه صادراتی آنها است. به عبارت دیگر، روابط تجاری درون‌بلوکی در میان کشورهای تشکیل دهنده‌ی این بلوک، تشابه بیشتری را نسبت به صادرات برون‌بلوکی نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به شاخص‌های آماری در این بلوک، تجارت در بین کشورها سازگارتر خواهد بود. بلوک آسیای میانه می‌تواند به عنوان یک بلوک صادرکننده‌ی محصولات کشاورزی مطرح شود؛ اگرچه پتانسیل صادراتی این کشورها با یکدیگر متفاوت است. معیار تشابه صادرات-صادرات نشان دهنده‌ی تشابه اقلام صادراتی این کشورها در بخش کشاورزی است که البته نسبت به تشابه صادرات-واردات کالاها در بین کشورهای این بلوک قوی‌تر است. همسایگی این کشورها با دریای خزر و شرایط آب و هوای تقریباً یکسان و ساختار اقتصادی مشابه علت تشابه صادراتی این کشورها است.

کشورهای بلوک خاورمیانه عربی تنوع زیادی از جهت آب و هوا، خاک و پتانسیل کشاورزی دارند، به گونه‌ای که در برخی از این کشورها امکان کشاورزی وجود نداشته و اغلب کالاهای کشاورزی آنها وارداتی است، در حالی که تعدادی از آنها صادرکننده‌ی این محصولات هستند. بر اساس معیار کسینوس، تشابه در بردار صادرات و واردات کشورهای این بلوک قوی‌تر از بردارهای صادراتی آنها است. به عبارت دیگر، این بلوک نیز دارای روابط و تشابه تجاری درون‌بلوکی بیشتری است. در مورد کشورهای خاورمیانه‌ی غیر عربی روابط برون‌بلوکی مهم‌تر از روابط بین کشورهای عضو است. بنابراین، شدت روابط صادراتی بین کشورها با سایر مناطق جهان در کالاهای کشاورزی است. دلیل چنین وضعیتی که به طور خاص در بین تمامی بلوک‌ها به وجود آمده است، پتانسیل کشاورزی بالا در این کشورها و وجود روابط تجاری قوی در بین آنها و موقعیت جغرافیای خاص از حیث حمل و نقل است.

کشورهای عربی شمال آفریقا می‌توانند دارای روابط درون و برون‌بلوکی باشند. یعنی ساختار وارداتی و صادراتی این کشورها به آنها اجازه می‌دهد که هم به عنوان یک بلوک صادرکننده‌ی محصولات کشاورزی عمل کنند و هم روابط تجاری متقابل درون‌بلوکی داشته باشند. بلوک اقتصادی آفریقای غیر عربی نیز دارای همین وضعیت است و این کشورها از جهت روابط تجاری شبیه به شمال آفریقا هستند. بدین ترتیب، قاره‌ی آفریقا در بین سایر کشورهای عضو سازمان

کنفرانس اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد، تشابه کشورهای آفریقایی به دلیل ضعف اقتصادی این کشورها است.

در مجموع، می‌توان گفت در صورتی که بلوک‌های اشاره شده به عنوان صادر کننده محصولات کشاورزی مطرح شوند، بلوک‌های آسیای میانه، خاورمیانه‌ی غیر عربی و شمال آفریقا دارای تشابه بیشتری نسبت به کل کشورهای عضو سازمان هستند و می‌توانند صادر کننده‌ی برخی از کالاهای کشاورزی که در ترکیب صادراتی آنها است، باشند. از طرف دیگر، بلوک‌های جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه‌ی عربی و تا حدودی شمال آفریقا به نسبت سایر بلوک‌ها دارای روابط تجاری درون بلوکی قوی‌تری هستند و زمینه‌ی لازم برای ایجاد روابط تجاری در کالاهای کشاورزی بین کشورهای این بلوک‌ها وجود دارد.

در نهایت، تقسیم بندی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قالب بلوک‌های مختلف سبب افزایش درجه‌ی تشابه تجاری در بین آنها شده است. البته، می‌توان در قالب سناریوهای مختلف، سرعت شکل‌گیری بلوک‌ها و شدت تشابه بلوک‌بندی کشورهای اسلامی در محصولات کشاورزی را ارزیابی نمود.

۶- همجواری و ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

ساختار اقتصادی کشورهای تشکیل دهنده‌ی یک بلوک اقتصادی- سیاسی و تجاری، اهمیت بسیاری در بلوک‌بندی تجاری دارد، به گونه‌ای که روابط بین آنها را در طول زمان تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر درجه‌ی ثبات پیمان‌های منطقه‌ای اثرگذار خواهد بود. به همین منظور، برای بررسی ساختار اقتصادی کشورها، شاخص‌های مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اگر چه بعضی از شاخص‌های اقتصادی در معیار آزادی اقتصادی لحاظ شده است. بنابراین، آن دسته از شاخص‌ها مدنظر خواهد بود که در معیار آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار نگرفته است. شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی در بین کشورهای *OIC* شامل تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه‌ی جاری، درآمد سرانه به قیمت ثابت، رشد درآمد سرانه به قیمت ثابت، درجه‌ی باز بودن اقتصاد (مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) و نسبت تولید بخش کشاورزی به تولید ناخالص داخلی است. هر کدام از شاخص‌های فوق جلوه‌ای از نمای اقتصادی یک کشور را به نمایش می‌گذارد. به عنوان مثال، تولید ناخالص داخلی اندازه‌ی بازار را نشان می‌دهد و

درآمد سرانه قدرت خرید در آن بازار را مشخص می‌کند. از آن جا که بخش کشاورزی از جایگاه ویژه‌ای در این مقاله برخوردار است، نسبت تولید بخش کشاورزی به تولید ملی یکی از شاخص‌های انتخابی است. شاخص‌های اشاره شده در بالا، دارای پراکندگی زیادی در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند که نشان از تفاوت در ساختار اقتصادی آنها دارد. اطلاعات شاخص‌های اقتصادی کشور در طول دوره‌ی ۲۰۰۳-۱۹۹۵ بوده و به صورت متوسط برای دوره‌ی ذکر شده مورد استفاده قرار گرفته است. در جدول (۴) میانگین و انحراف معیار شاخص‌های اقتصادی کشورهای *OIC* ارائه شده است.

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار شاخص‌های اقتصادی کل کشورهای عضو *OIC*

شاخص	تولید ناخالص داخلی (میلیون دلار)	رشد درآمد سرانه ثابت (درصد)	درآمد سرانه ثابت (۲۰۰۰ دلار)	رشد درآمد سرانه جاری	درجه باز بودن اقتصاد	سهم کشاورزی در GDP
میانگین	۲۶۵۷/۲	۶/۸۷	۲۲۱۳	۸/۶۲	۶۲٪	۲۵/۵۷٪
انحراف معیار	۴۴۶۳۷	۲/۴۶	۴۱۳۲	۲/۸	۳۶/۷	۱۳/۹۵
ضریب تغییر	۱۶۸٪	۳۵٪	۱۸۶٪	۳۳٪	۳۵٪	۵۴٪

ماخذ: محاسبات تحقیق و سایت سازمان کنفرانس اسلامی

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، انحراف معیار شاخص‌ها زیاد است که نشانگر پراکندگی در ساختار اقتصادی کشورها است. بیشترین انحراف مربوط به تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه است که ناشی از تفاوت ساختاری در کشورها است. در صورتی که بلوک‌بندی همجواری اشاره شده در قسمت قبل را ملاک تقسیم‌بندی کشورها قرار دهیم، درجه‌ی عدم همگنی اقتصادی کشورها کاهش خواهد یافت. در جدول (۵) ضریب تغییر بلوک‌های پیشنهادی در قالب شاخص‌های اقتصادی آمده است.

جدول ۵: ضریب تغییر شاخص‌های اقتصادی در بلوک‌های اقتصادی پیشنهادی

شاخص	تولید ناخالص داخلی (میلیون دلار)	رشد درآمد سرانه ثابت (درصد)	درآمد سرانه ثابت (۲۰۰۰ دلار)	رشد درآمد سرانه جاری	درجه باز بودن اقتصاد	سهم کشاورزی در GDP
جنوب شرقی آسیا	٪۹۱	٪۲۶	٪۸۸	٪۲۴	٪۷۴	٪۴۱
آسیای میانه و قفقاز	٪۱۰۶	٪۳۰	٪۱۲۲	٪۲۲	٪۳۹	٪۴۲
خاورمیانه عربی	٪۱۵۱	٪۱۷	٪۱۵۰	٪۲۰	٪۱۸	٪۷۱
خاورمیانه غیر عربی	٪۸۴	٪۱۲	٪۳۹	٪۱۴	٪۲۱	٪۶۹
عربی شمال آفریقا	٪۵۹	٪۱۱	٪۱۵۱	٪۹	٪۵۰	٪۲۱
آفریقایی غیر عربی	٪۱۶۵	٪۳۹	٪۱۶۶	٪۳۲	٪۴۰	٪۴۰
سایر	٪۹۵	٪۳۶	٪۴۲	٪۲۵	٪۶۶	٪۴۸
کل کشورهای اسلامی	٪۱۶۸	٪۳۵	٪۱۸۶	٪۳۳	٪۵۹	٪۵۴

ماخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به ضریب تغییر در بلوک‌ها تقسیم بندی فوق دارای پراکندگی کمتری نسبت به مجموعه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی است. البته، بلوک خاورمیانه‌ی عربی به لحاظ حضور کشورهای نفت‌خیز، دارای پراکندگی بیشتری است که ناشی از درآمدهای بسیار زیاد نفتی است. کشورهای آسیای میانه و آفریقایی غیر عربی نیز دارای پراکندگی ساختار اقتصادی هستند که دلیل آن وجود کشورهای نفت خیز مانند آذربایجان و تفاوت در اندازه‌ی اقتصادی، سیاسی این کشورها است. در مجموع، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تقسیمات بلوکی کشورها درجه‌ی ناهمگنی کاهش یافته است که موجب افزایش همگرایی منطقه‌ای و ثبات پیمان‌ها در میان کشورهای عضو بلوک خواهد شد.

۷- جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه نشان داده شد که بلوک‌بندی در همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای عضو *OIC* در زمینه‌ی محصولات کشاورزی قابل تجارت، علی‌رغم تفاوت عمیق در ساختار اقتصادی این کشورها و ناچیز بودن شدت تشابه تجاری آنها، همچنان امکان‌پذیر است. به‌علاوه، یافته‌های تحقیق نشان از کاهش ناهمگنی در ساختار اقتصادی کشورهای عضو دارد. چنانچه کشورها در قالب زیر بلوک‌های موثر بویژه همجوار تقسیم‌بندی شوند، اثر این نوع بلوک‌بندی، شدت تشابه اقتصادی در جهت تشکیل یک بلوک متمرکز را افزایش می‌دهد؛ اگر چه هنوز تشکیل بازار مشترک اسلامی به صورت فراگیر و با عضویت کلیه کشورهای

کوچک و بزرگ اسلامی در *OIC* مقدور نباشد. تعمیق یکپارچگی زیر بلوک‌های موجود و برخورداری از پتانسیل استقرار زیربلوک‌های پیشرفته‌تر در قالب سناریوی پیش روی کشورها، توان مبادله‌ای درون بلوکی را در اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش می‌دهد. در عمل، یکپارچگی در تجارت محصولات کشاورزی می‌تواند خمیر مایه‌ی همکاری‌های همه‌جانبه اعم از ادغام‌های منطقه‌ای تجاری-اقتصادی و همگرایی بخش‌های واقعی، تولیدی، پولی و مالی در بین کشورهای *OIC* در راستای تشکیل بازار مشترک اسلامی باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

فرهمند، شکوفه، همگرایی اقتصادی و تاثیر سرریزهای منطقه‌ای بر رشد درآمد سرانه (مورد کشورهای OIC)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.

متوسلی، محمود، "بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی بر اساس آزمون علی‌گرینجر"، مجله برنامه و بودجه، ۴۶ و ۴۷، ۱۳۷۸.

هلر، رابرت، تجارت بین‌الملل (نظریه و شواهد تجربی)، ترجمه ملک آفاق فتحیان پورکندلی و معصومه نونزاد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

- Ahmed, A., Zeinelabdin and I. Ugurel, "The Islamic Common Market: Is it Economically and Politically Justifiable?" Paper Presented at the Second International Conference on Islamic Political Economy, held on December 10-11, 1996 at Penang, Malaysia, 1996.
- Ali, A.N., "Proposed Strategy for An Islamic Common Market," in Towards an Islamic Common Market, Proceedings of the International Seminar on Islamic Common Market, held on December 18-20, 1993 in Dhaka, Bangladesh, 1993.
- Al-Salman, M., Islamic Regional Economic Integration: Challenges and Opportunities, Preliminary Proceeding of the International Seminar on Ways and Means to Establish Islamic Common Market, Tehran, The Institute for Trade Studies and Research, 2000.
- Chapra, M.U., Islam and Economic Development, The International Institute of Islamic Thought, Islamabad, Pakistan, 1993.
- Cindoruk, S. "Economic Cooperation among OIC Countries and the Islamic Common Market," Journal of Economic Cooperation among Islamic Countries, Vol. 13, No. 1-2, 1992, pp. 1-18.
- Gurler, D., Role and Function of Regional Blocks and Arrangement in the Formation of Islamic Market, Preliminary Proceeding of the International Seminar on Ways and Means to Establish Islamic Common Market, Tehran, The Institute for Trade Studies and Research, 2000.
- IMF, Direction of Trade Statistics Quarterly, Washington, D.C., USA, 2001.
- IMF, World Economic Outlook, Washington, D.C., USA, 1999 and 2001.
- Kabir Hassan, M., "Is SAARC a Viable Economic Block? Evidence from Gravity Model," Journal of Asian Economics, Vol. 12, No. 2, pp. 263-90, 2001.
- Kabir Hassan. M., "An Empirical Investigation of Economic Cooperation Among the OIC Member Countries," University of New Orleans, 2002.

-
- Kabir Hassan, M. and M. Faridul-Islam, "Prospect and Problems of a Common, Market: An Empirical Examination of the OIC Countries," American Journal of Islamic Social Sciences, Vol. 18, No. 4, 2001, pp. 19-46.
- Tayyebi, S.K. and M. Moallemi, "Possibility of Trade Integration among Selected Islamic Countries," Iranian Economic Review, Vol. 8, No. 9, 2003, pp. 91-105.
- The Heritage Foundation, 2006 Index of Economic Freedom, The Wall Street Journal, 2006.
- The United Nations, Trade Database, 2000.
- UNCTAD, World Trade Statistics, PC- TAC CD- ROM, 2000 and 2004.
- World Bank, World Tables Indicators, CD-ROM 2005, 2005.
- WTO, Annual Report, WTO Publications, Geneva, 2000.
- Organization of Islamic Conference, www.oic-oci.org



...

The Role of Contiguity in Economic Regimentation of the Members of OIC with an Emphasis on Agriculture Section

Huseein Pirasteh (Ph.D.), Seyyed Komeil Tayyebi (Ph.D.) and
Amir Hortamani (M.Sc.) *

Abstract:

Contiguity is one of the influencing factors in trading relationships and establishing convergence among different countries. Despite the wide gap between the economic structure of the members of OIC and the trivial degree of economic similarity between them, branching in regional cooperations of these countries can be investigated in terms of the tradable agricultural products. This paper aims at investigating the effect of different branching methods by means of contiguity on the decrease of heterogeneity in the economic structure of members of OIC and on the increase of their economic similarity. If these countries are divided in form of effective subdivisions, especially contingent, the impact of this type of branching increases the degree of economic similarity for establishing a centralized branch. Therefore, performing statistical analysis of the export and import items and the index of economic freedom of these countries and the change of heterogeneity of the economic subdivisions are investigated. Increasing the consistency of the present subdivisions and the potential establishment of more advanced branching in form of a scenario for countries will increase the exchange efficiency of in-branch exchanges among members of OIC.

JEL classification: *H50*

Keywords: Contiguity, Economic Currents, Agricultural Products, Economic Similarity, Index of Economic Freedom, Convergence, Branching

* Associate professor, assistant professor and student of economics, respectively, Isfahan University

ضمیمه:

جدول ۱: بلوک‌های منطقه‌ای در بین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی

ردیف	نام بلوک یا پیمان	تعداد اعضا	شکل همگرایی
۱	اتحادیه‌ی مغرب عربی	۵	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۲	شورای اتحادیه‌ی اقتصادی عربی	۱۲	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۳	شورای همکاری خلیج فارس	۶	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۴	سازمان همکاری اقتصادی (اگو)	۱۰	منطقه‌ی تجاری ترجیحی

ماخذ: SESRTCIC (2000)



جدول ۲: بلوک‌های منطقه‌ای اعضای سازمان کنفرانس اسلامی با سایر کشورهای غیر عضو

ردیف	نام بلوک یا پیمان	تعداد اعضاء	تعداد اعضاء OIC	شکل همگرایی
۱	جامعه‌ی اقتصادی آفریقا	۵۲	۲۵	مرحله ۱: منطقه‌ی آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۳: بازار مشترک مرحله ۴: اتحادیه‌ی پولی و اقتصادی
۲	اتحادیه‌ی اقتصادی و گمرکی آفریقایی	۶	۳	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک مرحله ۳: اتحادیه‌ی پولی و اقتصادی
۳	بازار مشترک جنوبی و شرقی آفریقا	۲۱	۵	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک مرحله ۳: اتحادیه‌ی پولی
۴	جنبش فرامرزی (CBI)	۱۴	۲	ناحیه‌ی آزاد تجاری
۵	جامعه‌ی اقتصادی ایالات آفریقایی مرکزی	۱۱	۳	مرحله ۱: اتحادیه‌ی گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۶	کمیسیون اقیانوس هند	۵	۱	ناحیه‌ی تجاری ترجیحی
۷	اتحادیه‌ی منوربور	۳	۲	اتحادیه‌ی گمرکی
۸	اتحادیه‌ی پولی و اقتصادی آفریقایی غربی	۷	۶	مرحله ۱: بازار مشترک مرحله ۲: اتحادیه‌ی پولی و اقتصادی
۹	انجمن ملت‌های جنوب شرقی آسیا (آ، سه، آن)	۷	۳	مرحله ۱: ناحیه‌ی آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه‌ی گمرکی
۱۰	همکاری اقتصادی دریای سیاه	۱۱	۳	ناحیه‌ی تجاری ترجیحی
۱۱	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع	۱۲	۶	مرحله ۱: ناحیه‌ی آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه‌ی گمرکی
۱۲	انجمن اقتصادی شرق آسیا	۱۰	۳	همکاری منطقه‌ای
۱۳	انجمن آسیایی جنوبی برای همکاری منطقه‌ای	۷	۳	ناحیه‌ی تجاری ترجیحی

ماخذ: (2000) SESRTCIC